





دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی گرایش روابط
بین‌الملل

مطالعه مقایسه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال
تحولات مصر و سوریه (۲۰۱۰-۲۰۱۲)

استاد راهنما:

دکتر علی امیدی

استاد مشاور:

دکتر سعید وثوقی

پژوهشگر:

زهرا کرامتی

دی ماه ۱۳۹۱



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل خانم زهرا کرامتی
تحت عنوان

**مطالعه مقایسه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال
تحولات مصر و سوریه (۲۰۱۰-۲۰۱۲)**

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۳ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر علی امیدی با مرتبه علمی استادیار امضاء
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر سعید وثوقی با مرتبه علمی استادیار امضاء
- ۳- استاد داور داخل گروه دکتر محمدعلی بصیری با مرتبه علمی استادیار امضاء
- ۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مهدی ادیبی با مرتبه علمی دانشیار امضاء

امضاء مدیر گروه

دکتر سعید وثوقی

چکیده

تحولات انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این منطقه محسوب می شود. اهمیت این تحولات چنان است که حساسیت و توجه بسیاری از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای را در پی داشته است. در این میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه دو بازیگر مهم منطقه ای محسوب می شوند که هر یک اهداف و منافع خاص خود را در منطقه خاورمیانه دارند و وقوع بهار عرب آزمونی برای سیاست خارجی دو کشور در سطح منطقه است. رویکرد دو کشور در خصوص تحولات جهان عرب، در برخی حوزه ها با سیاست و منافع منطقه ای یکدیگر نزدیکی و همخوانی داشته است، اما در برخی حوزه های دیگر، در تناقض و حتی تضاد قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف مطالعه مقایسه ای سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات مصر و سوریه با استفاده از چهارچوب نظری سازه‌نگاری انجام گرفته است. سوال اصلی این پژوهش این است که: سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال انقلاب های جهان عرب (سوریه و مصر) در سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ چه تفاوت ها و شباهت هایی داشته است. نتایج پژوهش نشان داده است که اولاً سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال تحولات مصر به هم نزدیک است و تنها تفاوت در نوع اطلاق آن می باشد. زیرا در حالی که ایران از آن به عنوان بیداری اسلامی یاد می کند؛ ترکیه آن را بهار عربی و در امتداد جنبش لیبرال دموکراسی می داند. دوماً بیشترین تضادهای دو کشور در بحران سوریه نمود می کند. زیرا که ایران در این بحران طرفدار دولت بشار اسد در سوریه بوده و منافع خود را در حفظ دولت بشار اسد و در نتیجه حفظ محور مقاومت می داند. اما ترکیه با حمایت از خواسته های مخالفان، خواهان کناره گیری اسد از قدرت و تشکیل حکومتی جدید مبتنی بر اصول دموکراتیک است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، مطالعه مقایسه ای، سازه‌نگاری، تحولات مصر و سوریه، حزب عدالت و توسعه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول
	کلیات پژوهش
۲	۱-۱- شرح و بیان مسئله‌ی پژوهش.....
۵	۱-۲- واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی.....
۵	۱-۲-۱- حزب عدالت و توسعه.....
۵	۱-۲-۲- سیاست خارجی.....
۶	۱-۲-۳- مطالعه مقایسه‌ای.....
۶	۱-۲-۴- تحولات مصر و سوریه.....
۶	۱-۲-۵- سازه‌انگاری.....
۷	۱-۳- پیشینه و ادبیات تحقیق.....
۸	۱-۴- اهداف تحقیق.....
۹	۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق.....
۹	۱-۶- سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق.....
۱۰	۱-۷- کاربرد نتایج تحقیق.....
۱۰	۱-۸- روش تحقیق.....
۱۰	۱-۹- ابزار جمع‌آوری داده‌ها.....
۱۰	۱-۱۰- سازماندهی تحقیق.....

فصل دوم

چارچوب نظری

۱۲	۱-۲- مقدمه.....
۱۴	بخش اول.....
۱۴	سازه‌انگاری.....

۱۴	۲-۲-نظریه سازه‌انگاری.....
۱۵	۲-۲-۱- مبانی هستی‌شناسی.....
۱۶	۲-۲-۱-۱- ماده و معنا در تئوری سازه‌انگاری.....
۲۳	۲-۲-۱-۲- ساختار - کارگزار.....
۲۷	۲-۲-۱-۳- هویت کنش‌گران در تئوری سازه‌انگاری.....
۳۱	۲-۲-۳- معرفت‌شناسی از نظر تئوری سازه‌انگاری.....
۳۳	۲-۲-۴- روش‌شناسی تئوری سازه‌انگاری.....
۳۵	بخش دوم.....
۳۵	تحلیل سیاست خارجی ایران و ترکیه در چهارچوب سازه‌انگاری.....
۳۵	۲-۳- سیاست خارجی ایران.....
۳۹	۲-۴- سیاست خارجی ترکیه.....
۴۴	۲-۵- نتیجه‌گیری.....

فصل سوم

سیاست خارجی ایران در قبال تحولات مصر و سوریه

۴۶	۳-۱- مقدمه.....
۴۸	بخش اول.....
۴۸	ایران و سوریه؛ متحدینی دیرینه.....
۴۸	۳-۲- تاریخچه روابط ایران و سوریه؛ منافع مشترک.....
۵۳	۳-۳- بروز تحولات؛ توطئه‌ی بیگانگان، تلاش در حفظ اتحاد.....
۶۰	بخش /دوم.....
۶۰	ایران و مصر؛ رقبای دیرینه.....
۶۰	۳-۴- تاریخچه روابط ایران و مصر، رقابت بر سر منافع.....
۶۴	۳-۵- ایران و تحولات مصر: بیداری اسلامی.....
۷۱	۳-۶- نتیجه‌گیری.....

فصل چهارم

سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات سوریه و مصر

۷۴	۱-۴- مقدمه.....
۷۶	بخش اول.....
۷۶	ترکیه و سوریه.....
۷۶	۲-۴- تاریخچه روابط ترکیه و سوریه؛ از تعارض تا تعامل.....
۸۱	۳-۴- تحولات سیاسی سوریه؛ پایان محور آنکارا-دمشق.....
۹۱	بخش دوم.....
۹۱	ترکیه و مصر.....
۹۱	۴-۴- تاریخچه روابط ترکیه و مصر؛ از سردی تا بی‌تفاوتی.....
۹۵	۵-۴- ترکیه و تحولات مصر؛ آغازی برای همکاری.....
۱۰۵	۶-۴- نتیجه‌گیری.....
۱۰۸	نتیجه‌گیری و جمع‌بندی.....
۱۱۴	منابع و مآخذ.....

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- شرح و بیان مسئله‌ی پژوهش

بروز انقلاب‌های مردمی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از مهمترین تحولات بین‌المللی در چند دهه اخیر به حساب می‌آید. اهمیت این تحولات به حدی است که برخی آن را از حیث توان تأثیرگذاری بر ترتیبات بین‌المللی با تحولات تاریخی چون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یا ریزش دیوار برلین مقایسه کرده و برخی دیگر برای توصیف اهمیت و حساسیت آن از عناوینی چون «سونامی سیاسی»، «بهار عربی» یا «بیداری اسلامی» استفاده کرده‌اند (امیری، ۱۳۹۰: ۱).

بطور کلی مجموعه تحولات انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این منطقه محسوب می‌شود. اهمیت این تحولات چنان است که حساسیت و توجه بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در پی داشته است. در میان کشورهایایی که به دنبال ایفای نقش و اعمال نفوذ برسر تحولات منطقه بوده‌اند می‌توان از ایران و ترکیه نام برد. ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی خود محسوب می‌شوند. هر کدام از این دو کشور اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند که بسیاری از آنها هماهنگ و هم‌جهت می‌باشند و هر دو کشور در تلاشند تا جایگاه بهتری در تحولات خاورمیانه به دست آورند و نقش موثری در بحران‌های آن ایفا نمایند (رضازاده، ۱۳۸۷: ۱).

تحولات جهان عرب هم از بعد «منافع» و هم از بعد «ارزش» برای دو کشور حائز اهمیت است. از لحاظ منافع، مسائل عمدتاً بر محور جابه جایی حکومت‌ها و تأثیرات آن بر روابط دوجانبه و ثبات منطقه ای، معادلات مربوط به توازن قدرت و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به طور کلی منافع اقتصادی و سیاسی قرار دارد. از لحاظ ارزش‌ها هم این تحولات به لحاظ پیروی از الگوهای حکومت داری خود، حمایت از جنبش‌های مردمی، مبارزه با نقش بیگانگان در منطقه و تحقق وحدت اسلامی حائز اهمیت است (برزگر، ۱۳۹۰: ۴).

از زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی، رویکرد ترکیه به منطقه خاورمیانه دو جهت‌گیری کاملاً متفاوت داشته است. تا پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و به جز دوره محدودی از قدرت گرفتن حزب اسلامگرای رفاه به رهبری نجم الدین اربکان منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه عمدتاً از یک جایگاه فرعی و حاشیه‌ای برخوردار بود و تلاش می‌شد تا روند هویت‌سازی برای ترکیه نوین که اساس آن بر غربی شدن استوار بود با بی‌اعتنایی نسبت به تحولات خاورمیانه تکمیل شود (امیری، ۱۳۹۰: ۳).

سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه شاهد یک پویایی جدید بود و پس از سالها انفعال و غفلت این کشور، ترکیه به عنوان یک بازیگر دیپلماتیک مهم در منطقه ظاهر شد. چنان که این کشور طی یک دهه اخیر توانسته با ابتکار عمل در صحنه داخلی و نوآوری مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها خود را به عنوان یک بازیگر خاورمیانه‌ای، بلکه به عنوان عضو فعال دنیای اسلام و یک کشور مسلمان اروپایی و توسعه‌گرا معرفی کند (امیدی، ۱۳۹۰: ۲۳۳).

یکی از بارزترین نمونه‌های تحول در سیاست خارجی ترکیه که از آن به «نوع‌ثمانیسم» نیز یاد می‌شود، در تحولات کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ معروف به «بهار عربی» نمود یافته است. همین امر فرصتی را برای ترکیه فراهم کرد که پس از سال‌ها عدم نقش‌آفرینی جدی در خاورمیانه، به ایفای نقش جدی از طریق میانجیگری، برگزاری همایش‌های مخالفان هیئت‌های حاکمه کشورهای عربی در ترکیه و... اقدام نماید (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۱۳۷) و علی‌رغم شرایط متفاوت در هر یک از کشورهای منطقه خاورمیانه که با این تحولات درگیر هستند، ترکیه به طور کلی خواهان مذاکرات بین مخالفان و حکومت‌ها، انجام اصلاحات و کاهش خشونت بوده است و این که حکومت‌ها خودشان بدون دخالت کشورهای خارجی و بدون نقض تمامیت ارضیشان سرنوشت خویش را تعیین نمایند (Paul & Seyrel, 2011).

در خصوص سیاست خارجی ترکیه در تحولات دو کشور مورد مطالعه (مصر و سوریه) باید گفت که؛ پیوند ترکیه با مصر با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بهبود یافته است و در جریان جنبش‌های اعراب، ترکیه از

روند دموکراسی خواهی و مطالبات مردمی جانبداری کرده و از این رو ترکیه و مصر جدید از درک متقابل مثبتی برخوردارند و نخبگان انقلاب مصر از ترکیه به عنوان الگو یاد می کنند (امیدی، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

در خصوص روابط با سوریه باید گفت که سوریه یک عنصر استراتژیک در مناسبات خارجی دولت اردوغان در راستای بازگشت ترکیه به جهان عرب بوده است. با این حال تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ منافع ملی ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است و باعث گردیده ترکیه اگرچه به بشار اسد امیدوار نیستند اما اساساً با این قضیه بسیار محتاطانه برخورد کردند و همچنان اولویت خود را در چارچوب انجام اصلاحات در حکومت موجود می دانند (حیدری و رهنورد، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۳).

ایران نیز کشوری تأثیرگذار، قدرتمند و بازیگری توانمند در خاورمیانه است. از این رو این کشور نمی تواند بی تفاوت از مجموعه دگرگونی های امنیتی و سیاسی در خاورمیانه روابط سیاسی خود را ساماندهی کند (قالیباغ، ۱۳۸۷: ۵۴) در نتیجه ایران در منطقه خاورمیانه در صدد است تا با تشکیل ائتلاف های هم پیمان خود، خاورمیانه ای را ایجاد کند که زمینه نفوذ امریکا را از بین ببرد. این موضوع هم به نفع نظام های سیاسی این منطقه و هم در جهت منافع ملت ها خواهد بود (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۳۴).

به همین دلیل ایران در سال های اخیر تلاش کرده تا از سیاست های خاص و با استفاده از منطقه های قدرت نرم بر تحولات و معادلات منطقه اثر گذارد. به عبارت دیگر حضور فعال ایران در مسائل منطقه ای ضمن تثبیت نقش های سیاسی - امنیتی و اقتصادی ایران در منطقه، اهمیت استراتژیک ایران را در صحنه نظام بین الملل نیز افزایش می دهد (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۴).

از آغاز بروز تحولات در خاورمیانه، تلاش اصلی سیاست خارجی ایران، چگونگی برقراری تعادل بین تأمین منافع و پیگیری خواسته های ارزشی بوده است. در خصوص تحولات مصر، نگاه ایران بیشتر مبتنی بر تأمین منافع بوده است. کشور مصر در جهان عرب از اهمیت زیادی برخوردار است. مصر کشوری است با اهمیت ژئواستراتژیک، جمعیت زیاد، برخورداری از فرهنگ، تاریخ و هویت قوی، جامعه پویا و در نتیجه یک بازیگر مهم در جهان عرب و جهان اسلام است. به همین دلیل ایران خواهان تقویت روابط با حکومت آینده مصر؛ اعم از حکومت ملی یا اسلامگرا است از این لحاظ اولویت سیاست خارجی ایران مبتنی بر تقویت منافع، احترام متقابل و براساس منافع ملی با مصر است (برزگر، ۱۳۹۰: ۳).

در خصوص سوریه نیز سیاست ایران مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی - امنیتی منطقه بخصوص در حوزه روابط با حزب الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب -

اسرائیل بوده که ایران در آن دارای نقش حساس و مهمی است. به همین دلیل ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به تحولات ایجاد شده در این کشور نگریده که عناصر خارجی (امریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می افزاید و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و چارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با اسرائیل نشود، حمایت کرده است (برزگر، ۱۳۹۰: ۴).

۲-۱- واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی

۱-۲-۱- حزب عدالت و توسعه^۱

حزب تازه تاسیس عدالت و توسعه پس از پیروزی در انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ به قدرت رسید. این اتفاق، همه را شگفت زده کرد تا جایی که برخی از تحلیل‌گران این واقعه را به زلزله سیاسی تعبیر کردند (E . Gmen2003:8). حزب عدالت و توسعه طی این انتخابات توانست ۴۳/۳ درصد آرا و دو سوم کرسی‌های پارلمان را کسب کند پیروزی حزب مذکور را قادر ساخت به تنهایی دولت اکثریت را تشکیل دهد. اگرچه تعبیر پیروزی انتخاباتی این حزب به زلزله سیاسی اغراق‌آمیز است، با این حال، پیروزی این حزب عمیقاً دورنمای سیاسی ترکیه را تحت تاثیر قرار داد. از مهم‌ترین دلایل چنین تعبیری این بود که نقش‌های کلیدی در حزب مانند نخست‌وزیر اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی عبدالله گل، رئیس‌پیشین مجلس ملی بولنت آرنیچ، فعالیت سیاسی خود را در حزب رفاه شروع کردند و همگی در گذشته طرفدار جریان بینش ملی به رهبری نجم‌الدین اربکان بودند. با این که هسته مرکزی حزب عدالت و توسعه بلافاصله استقلال خود را از حزب رفاه و جریان بینش ملی اعلام کرد، پیشینه اسلامی آنها، هنوز نگرانی‌هایی را میان نخبگان سکولار بر می‌انگیزد این حزب در انتخابات ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ نیز اکثریت کرسی‌های پارلمان را از آن کرد (Dogan, 2003:421).

۱-۲-۲- سیاست خارجی^۲

عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. سیاست خارجی شامل

1 -Justice and Development Prty

2 -Foreign Policy

تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از سوی دولتها انجام می پذیرد. سیاست خارجی همچنین می تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولتها باشد. (علی بابایی، ۱۳۷۷: ص ۱۶۶).

۱-۲-۳- مطالعه مقایسه ای^۱

مطالعه تطبیقی روشی برای استنباط علمی (توصیفی یا علی) از طریق مقایسه نظام مند شباهت ها و تفاوت های پدیده های اجتماعی با یکدیگر است. این روش از یک سو، به شناخت ما نهادهای موجود در جامعه خود یاری می رساند و از سوی دیگر تجربه سیاست در دیگر جوامع را در اختیار افراد می گذارد و به آن ها اجازه می دهد تا درک عمیق تری نسبت به مسائل سیاسی پیدا کنند. مطالعه تطبیقی سرآغاز درک، تجزیه و تحلیل و قضاوت در مورد مسائل سیاسی است و فرد را به درک بهتر پدیدارهای جهان رهنمون می سازد (آلموند و دیگران، ۱۳۷۷).

۱-۲-۴- تحولات مصر و سوریه^۲

خیزش های مردمی که از آغاز سال ۲۰۱۰ میلادی در مجموعه ای از کشورهای عربی به وقوع پیوست، علاوه بر آنکه شرایط سیاسی در بسیاری از این کشورها و نظم منطقه ای را تحت تأثیر قرار داد. این اعتراضات از کشور تونس آغاز و تأثیر سرائیتی عمیقی بر سایر جوامع عرب بر جای گذارد و به گونه ای که باعث تغییر در نظام سیاسی مصر شد و در کشور سوریه اعتراضات اگرچه باعث تغییر در نظام سیاسی نگردیده اما همچنان ادامه دارد. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۳)

۱-۲-۵- سازه انگاری^۳

تئوری است که فلسفه وجودی آن پر کردن شکاف میان خرد گرایی و رویکردهای انتقادی می باشد. ریشه این تئوری به آثار ویکو در قرن ۱۸ بر می گردد و در صدد است مدلی از تعاملات بین المللی ارائه دهد که طی آن مساعی لازم را به عمل آورد تا تأثیر هنجاری ساختارهای نهادی را بررسی کند و ارتباط میان دگرگونی های هنجاری، هویت و منافع دولت ها را مشخص نماید (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۴). از نظر این تئوری، ساختارهای هنجاری و

1 -comprative

2-Developments in Egypt and Syria

3- Constructivism

فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند، هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها و ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند.

۱-۳- پیشینه و ادبیات تحقیق

امیدی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «عثمانی‌گرایی جدید و سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، تلاش می‌کند تغییرات سیاست خارجی ترکیه را از سال ۲۰۰۲ تا کنون یعنی بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه را نشان دهد. این که ترکیه پس از چند دهه گرایش یک‌جانبه به غرب، اکنون راه میانه و سیاست متعادل‌تری را در قبال همسایگان خاورمیانه در پیش گرفته و متناسب با منافع ملی خود، روابطش را با جهان اسلام و غرب گسترش می‌دهد.

حیدری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «نوعثمانی‌گرایی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات عربی)» بیان می‌کند که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ سیاست خارجی چندجانبه با تکیه بر مفهوم «عمق استراتژیک و استراتژی مشکل‌صفر با همسایگان» توسط دولت اردوغان پی‌گیری شده است، که در نتیجه حداکثر منافع ملی را برای این کشور در منطقه خاورمیانه تأمین نموده است. با توجه به تحولات بهار عربی که در برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه در حال پی‌گیری است، سیاست خارجی چندجانبه ترکیه در یک محک جدی قرار خواهد گرفت؛ که از یک سو روابط گسترده با حکومت‌های اقتدارگرا و از سوی دیگر به واسطه داشتن سیمای مطلوب از سیاست‌های ترکیه نزد افکار عمومی و نهادهای مدنی این کشورها گسترش روابط با این نهادها همزمان بایستی پیگیری شود.

برزگر (۱۳۸۷)، در مقاله‌ی «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل» به بررسی جایگاه فعلی ایران در نظام امنیت خاورمیانه و امنیت بین‌الملل می‌پردازد. وی بیان می‌کند که تحولات جدید سیاسی - امنیتی و ژئوپولیتیک در خاورمیانه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و بحران عراق، مسائل خاورمیانه را عمومی‌تر، به هم پیوسته‌تر و بین‌المللی‌تر کرده و بین‌المللی‌تر کرده که این امر نظام امنیت خاورمیانه را به نظام امنیت بین‌الملل متصل کرده است. همچنین تحولات جدید ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به نفع ایران تغییر داده که نتیجه آن افزایش نقش منطقه‌ای و قدرت چانه‌زنی ایران در مسائل جاری خاورمیانه می‌باشد.

قالیباف (۱۳۸۷)، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «ژئوپولیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران» به بررسی سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه می‌پردازد. ایشان تشریح می‌کند که وضعیت خاورمیانه، حاوی گذار

و تحول در سلسله مراتب قدرت ها و تلاش هر یک از قدرت ها برای شکل دهی به نظم جدید می باشد. در این وضعیت، خاورمیانه دچار مسائل و مشکلاتی است که محور اصلی آن امنیت است. با توجه به نقش تأثیرگذار ایران به عنوان یکی از مهمترین بازیگران منطقه ای بر روند تحولات سیاسی - اجتماعی خاورمیانه، این مقاله به بررسی الگوهای رفتاری در سیاست خارجی ایران، جایگاه ژئوپلتیک نوین در تعیین سیاست خارجی ایران را در خاورمیانه بررسی کرده و تعامل را برای سیاست خارجی ایران معرفی و پیشنهاد می کند.

آلتونیشک (۲۰۱۱)، در مقاله «مفهوم سازی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه تحت حزب عدالت و توسعه» بیان می کند با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در اولویت ها، اصول و جهت گیری های سیاست خارجی ترکیه تغییراتی صورت گرفته است. این تغییرات در جهت کسب مشارکت بیشتر ترکیه در منطقه بوده است. حال تحولات اخیر در جهان عرب می تواند به عنوان آزمونی برای سیاست خارجی ترکیه در جهت پیدا کردن جایگاه و کسب پرستیژ در منطقه همچنین فرصتی برای ترویج الگوی حکومت سکیولار ترکیه و اسلام میانه رو مدنظر آن باشد.

نقدی که بر این متون وارد می باشد این است که بیشتر به سیاست خارجی یکی از دو کشور به صورت جداگانه در منطقه پرداخته است و در هیچ یک از این متون به صورت مقایسه ای سیاست خارجی ایران و ترکیه نسبت به تحولات رخ داده در دو کشور مصر و سوریه پرداخته نشده است و یا در صورت وجود مقاله ای در این زمینه، بر اساس تئوری سازه انگاری به مسئله پرداخته نشده است. به همین دلیل پژوهش حاضر سعی دارد سیاست خارجی ایران و ترکیه را با استفاده از نظریه سازه انگاری نسبت به تحولات رخ داده در دو کشور مصر و سوریه بررسی کند.

۱-۴- اهداف تحقیق

- تبیین مقایسه ای سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه در قبال تحولات مصر و سوریه (۲۰۱۰-۲۰۱۲)
- تبیین سیاست خارجی ایران در قبال تحولات مصر و سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۲)
- تبیین سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات مصر و سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۲)

۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق

اهمیت این پژوهش بدان جهت می‌باشد که سعی در شناخت جنبه‌ها و مبانی مهم و پایه‌ای سیاست‌های دو کشور مهم هم در منطقه خاورمیانه و هم در جهان اسلام دارد که به دنبال رقابت برای نفوذ در کشورهای منطقه و جهان اسلام و گسترش الگوهای حکومت‌داری خودشان می‌باشند. به همین دلیل تقابل‌ها و همکاری‌ها در خصوص تحولات به وجود آمده در منطقه با یکدیگر دارند. در نتیجه پژوهشگر در این پژوهش به دنبال شناخت زمینه‌های تقابل و همکاری در خصوص این تحولات بین دو کشور می‌باشد.

۱-۶- سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

سوال اصلی:

سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال انقلاب‌های جهان عرب (سوریه و مصر) در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی داشته است؟

سوالات فرعی:

۱- سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات مصر و سوریه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ چگونه است؟

۲- سیاست خارجی ایران در قبال تحولات مصر و سوریه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ چگونه ارزیابی می‌شود؟

فرضیه تحقیق:

فرضیه اصلی:

رویکردهای دو کشور ایران و ترکیه در قبال تحولات مصر به هم نزدیک و در قبال سوریه متفاوت می‌باشد.

فرضیه‌های فرعی:

۱- رویکرد ترکیه در خصوص تحولات مصر و سوریه یک رویکرد لیبرال و غربگرایانه است که براساس

میانجیگری بین دولت‌های عرب و مردم این کشورها به عنوان مدافع دموکراسی دنبال می‌گردد.

۲- سیاست خارجی ایران در خصوص تحولات مصر و سوریه بر اساس نوعی برداشت ارزشی از این جریان‌ات

بوده و یک نگاه اسلام‌گرایانه نسبت به این تحولات دارد.

۷-۱- کاربرد نتایج تحقیق

موضوع حاضر یکی از مسائل سیاسی - امنیتی روز منطقه است و ارتباط تنگاتنگی با امنیت ملی کشورمان دارد. این پژوهش می تواند تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران از جمله وزارت امور خارجه را در اتخاذ مواضع اصولی بر اساس منافع ملی و ایجاد تمهیدات امنیتی برای مصون ماندن از آثار و تبعات منفی احتمالی آن یاری دهد. بنابراین این پایان نامه می تواند در مراکز و سازمان های ذیل مورد استفاده قرار گیرد:

۱- مراکز پژوهشی، مطالعاتی و دانشگاه ها

۲- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

۳- مراکز امنیتی و شورای امنیت ملی و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران

۸-۱- روش تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد که با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اینترنتی انجام می گیرد.

۹-۱) ابزار جمع آوری داده ها

داده ها با ابزار کتابخانه ای و از طریق مطالعه کتب، نشریات تخصصی، مقالات اینترنتی، پایان نامه های دانشجویان و روزنامه گرد آوری شده است.

۱۰-۱- سازماندهی تحقیق

با توجه به این که این پژوهش، به مطالعه تطبیقی سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه در قبال تحولات مصر و سوریه در چارچوب تئوری سازه نگاری می پردازد، از این رو برای بررسی دقیق تر موضوع، سعی شده است که در هر فصل به طور جداگانه به سیاست خارجی دو کشور پرداخته شود. در این راستا فصل اول به کلیات پژوهش می پردازد و مقدمه را برای ورود به بحث مهیا می کند. فصل دوم به چهارچوب تئوریک اختصاص دارد که به بررسی نظریه سازه نگاری به عنوان چهارچوب تئوریک و تحلیل اصول حاکم بر سیاست خارجی دو کشور ایران و مصر در این چهارچوب پرداخته می شود. در فصل سوم به مطالعه سیاست خارجی ایران در قبال تحولات سوریه

و مصر پرداخته می‌شود. در فصل چهارم به مطالعه سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات سوریه و مصر پرداخته می‌شود. فصل پنجم به جمع بندی مطالب گفته شده در فصول گذشته و مقایسه سیاست خارجی دو کشور پرداخته می‌شود.

فصل دوم

چارچوب نظری

۲-۱- مقدمه

رهیافت سازه‌انگاری از جمله رهیافت‌های متأخر در مطالعات اجتماعی و روابط بین‌الملل است و امروزه بسیار کوشش می‌شود تا مسایل عمده سیاست بین‌الملل از جمله روابط خارجی دولت‌ها با استفاده از این رهیافت مورد بررسی قرار گیرند. بر این اساس، سازه‌انگاری بر خلاف نظریات خردگرایی که بر پایه نظریه انتخاب عقلانی قرار دارند، بر آن است که منافع بازیگران و دولت‌ها که تنظیم‌کننده رفتار آن‌ها در سیاست خارجی هستند، اموری متغیر و در حال تکوین بوده و تغییر و تحول در هنجارهای موثر در فرهنگ سیاسی و هویت این بازیگران است.

بنابراین قالب‌های ذهنی و تحول آن‌ها نظیر شیوه فهم رهبران از نظام بین‌الملل، مولفه‌های هویتی دولت‌ها، هنجارهای نظام بین‌الملل و مسایل اخلاقی، به جای افزایش قدرت نظامی (در واقع‌گرایی) و یا قدرت اقتصادی (در لیبرالیسم)، هدایت‌گر رفتار خارجی دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل هستند. رشد سازه‌انگاری هم محصول تحولات دانشگاهی و هم نتیجه‌ی تحولات حوزه‌ی سیاست بین‌الملل بوده است. درباره مورد اول، بر چرخش زبان شناختی، جامعه‌شناختی و رشد نظریه‌های انتقادی در علوم اجتماعی تأکید می‌شود. در مورد دوم نیز، فرض بر این است که پایان جنگ سرد و سقوط شوروی بدون وقوع یک جنگ جهانی، موجب تضعیف پیش‌بینی‌های نظریه‌های عقلانیت‌گرا و تقویت مواضع سازه‌انگاران شده است. هم‌پوشانی این دو تحول، امیدها را برای ظهور یک رقیب جدی در مقابل نظریه‌های مسلط و به ویژه نئورئالیسم تقویت کرده است. رشد ادبیات سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل، زمینه را برای ظهور نظریات سازه‌انگارانه در سیاست خارجی فراهم کرده است.

در این چهارچوب، یکی از مفاهیم مورد توجه در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها هویت می‌باشد. سازه-انگاران معتقدند که هویت‌ها به منافع شکل می‌دهند و با توجه به امکان ورود هویت‌های گوناگون دولت‌ها ممکن است منافع متفاوتی داشته باشد. از این منظر هویت و منافع از طریق عملکرد اجتماعی ایجاد می‌شود و با ساختارها و هویت‌ها و منافع دیگر بازیگران محدود می‌شود. بر این اساس می‌توان تحلیلی از سیاست خارجی ایران و ترکیه و اصول حاکم بر آن ارائه داد. بنابراین در این فصل در دو بخش مجزا، ابتدا به بررسی نظریه سازه‌نگاری پرداخته خواهد شد سپس در بخش دوم بر اساس همین چهارچوب به تحلیل سیاست خارجی ایران و ترکیه پرداخته خواهد شد.

بخش اول

سازه‌انگاری

۲-۲- نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری به مکتبی اطلاق می‌شود که تلاش می‌کند با زودودن ماده‌گرایی مطلق یا ماتریالیسم محض از ساحت مطالعات اجتماعی و نیز با نگرشی کل‌گرایانه و نظام‌مند به پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی، اصالت ایده و اندیشه را در ساخت پدیده‌های اجتماعی مبنا قرار داده و نشان دهد ماهیت پدیده‌های اجتماعی با اشیاء و پدیده‌های مادی متفاوت است. سازه‌انگاری به طور کلی، به منظری فلسفی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، تمامی دانش‌ها و نیز پدیده‌های انسانی «برساخته» شده‌اند و این برساختگی نیز به گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است. در نگرش فلسفی سازه‌انگاری، این مفروضه وجود دارد که دانش و آنچه به عنوان پدیده‌های انسانی و اجتماعی وجود دارند، لزوماً انعکاس واقعیت‌های متعین یا متعالی نیستند؛ بلکه مشروط و وابسته به ذهنیت‌های انسان و تجربه اجتماعی می‌باشند. (سلیمی، ۱۳۸۵: ۳۴).

سازه‌انگاری از جمله نظریات دارای هستی‌شناسی معناگرا است که از منظری انتقادی، معتقد است رویکردهای خردگرا به دلیل کم‌توجهی به عنصر فرهنگ و مجموع انگاره‌ها در تحلیل مسائل پیرامون دچار نقصان می‌باشند. از جمله مهمترین دستاوردهای هر حوزه مطالعاتی، میزان و کیفیت ایجاد قواعد و چارچوب‌های تحلیلی از جمله نظریه، پارادایم یا قانون است. در خصوص این که سازه‌انگاری تئوری است، اتفاق نظر وجود ندارد، به صورتی که گفته می‌شود که مشخص نیست که آیا سازه‌انگاری هستی‌شناسی است یا نظریه یا پارادایم و یا اینکه روشی برای مطالعه روابط بین‌الملل است؛ نظریه است یا زیرنظریه یا هر دو (چرنوف، ۱۳۸۸: ۸۰) به صورتی که هاف نیز بر آن می‌باشد که سازه‌انگاری بیشتر یک «رهیافت» است، نه یک نظریه و به فرآیندها مربوط می‌شود نه نتایج (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۶). عدم اتفاق نظر در تعریف سازه‌انگاری به دلیل عدم اجماع اندیشمندان و تئوریسین‌های سازه‌انگاری بر روی یک تعریف جامع از سازه‌انگاری است که باعث شده تلوپحا از سازه‌انگاری تحت عنوان «نظریه» یاد شود اما به دلیل اینکه سازه‌انگاری می‌تواند با مجموعه‌ای از روش‌های مختلف سازگار باشد و تفاوت شناختی و روشی تا حدودی تأثیرات هستی‌شناختی دارد، ایجاب می‌کند برای رسیدن به یک تعریف نسبتاً جامع از نقش و جایگاه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بر هستی‌شناسی